



دانشگاه پیام نور تهران

دانشکده: الهیات و علوم اسلامی

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: نهج البلاغه(علوم و معارف علوی)

گروه: قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه:

سخن و آداب آن در نهج البلاغه

نام کامل نویسنده:

سید مصطفی هاشمی

استاد راهنمای:

دکتر محمد جواد سعدی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد مهدی جعفری

۱۳۹۲ هجری شمسی

چکیده:

در این پنهانه زندگی هر چیزی آدابی دارد. سخن هم آدابی دارد. این آداب سخن را باید از ادیب کل و معلم اصلی که در اصل خداوند بزرگ و سپس پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و بعد از آن از حضرت علی بن ایطالب اولین امام و پیشوای اسلام که در آینه شفاف سخن او یعنی نهج البلاغه بهترین آداب سخن منعکس است بپرسیم (بدون آنکه آن حضرت در کلاس و مدرسه‌ای معمولی درس خوانده باشد)

هدف از این کار و تحقیق شناخت سخن خوب و بد از دیدگاه علی علیه السلام در کتاب سترگش یعنی نهج البلاغه است با روشنی نو و ملاک‌های آن است.

در ضمن نخست درباره کلمه سخن بررسی می‌کنیم سپس درباره پیدایش زبان بررسی می‌کنیم (معمولًا در عرف زبان و سخن یک معنی دارند)

یکی از ابزار سخن زبان است (در اینجا منظور پاره گوشت زبان است)، و علی علیه السلام درباره‌ی این پاره گوشت با تعجب می‌فرماید:

إعْجَبُوا لِهَذَا الْأَنْسَانِ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ (تعجب کنید درباره این انسان که با پاره گوشتی سخن می‌گوید

پیدایش زبان نسبتاً نامعلوم است، دو فرضیه درباره پیدایش زبان وجود دارد: فرضیه غربی و فرضیه الهی که باید بررسی شود.

روابط سخن با واقعیت درونی و بیرونی، اندیشه، احساسات و سیاست و غیره را نیز بررسی می‌کنیم

ما درباره اثر سخن، بر احساسات، فکر، سیاست و سایر امور در اجتماع جستجو می‌کنیم

همچین از فن خداداد علی علیه السلام درباره سخن و مواعظ او درباره تقوی ، شجاعت، دروغ در این دنیا و سرای دیگر استفاده می کنیم. البته چنانیکه صحبت شد علم علی(ع) زیاد است و خودش می فرماید اگر فرد شایسته ای پیدا می کردم هر چه در دل داشتم بازگو می کردم. در پایان بخواست خداوند بزرگ موفق خواهیم شد.

کلید واژگان:

زبان، سخن، آداب سخن، نهج البالغه

فهرست

۶ کلیات
۸ فصل اول: مفاهیم و تعاریف
۸ معنی واژه سخن (واژگان)
۸ وسائل و ادوات سخن:
۹ پیام:
۱۰ پیدایش زبان
۱۵ فیزیولوژی زبان
۱۶ نتیجه کلی از فصل اول و مقدمه
۱۷ فصل دوم: روابط زبان
۱۷ الف) رابطه زبان و سخن (زبان و گفتار)
۱۷ ب) رابطه زبان و واقعیت (واقعیت بیرونی)
۲۰ ج) رابطه زبان و فکر (سخن و تفکر)
۲۱ نقش سخن در روابط اجتماعی
۲۱ الف) ارتباط احساسی و عاطفی
۲۵ نقش سخن در روابط اجتماعی (تجارت)
۲۷ نقش سخن در رابطه سیاسی
۲۹ امیرالمؤمنین و فن بیان
۳۱ علی همیشه سرچشمہ فیض و علم بود
۳۶ واما فن بیان علی علیه السلام
۴۲ نتیجه کلی فصل دوم

۴۳	فصل سوم: سخن از دیدگاه نهج البلاعه
۶۱	نتیجه کلی فصل سوم
۶۲	فصل چهارم: آداب سخن در نهج البلاعه
۶۳	تعاریف مختصر
۶۴	کلیات آداب سخن
۶۵	حقیقت و مجاز
۶۷	تشییه
۶۸	درجه بлагت
۶۹	استعاره
۷۱	کنایه
۷۲	بدیع
۷۳	بلاغت جناس
۷۴	سجع
۷۴	ب) محسنات معنوی:
۷۵	توریه
۷۶	معنویت و اخلاق و ادب
۸۱	نیروی شهوت
۸۳	اجزاء وزیر مجموعه های قوا
۸۶	عفت
۸۷	شجاعت
۸۸	عدالت
۹۴	رعایت مقررات سخن

۹۴.....	احکام شرعی.....
۹۶.....	گناهان کیره.....
۱۰۳.....	نتیجه کلی از فصل چهارم.....
۱۰۴.....	فصل پنجم: آثار سخن در نهنج البلاعه.....
۱۱۱.....	تهمت.....
۱۱۴.....	سخن چینی.....
۱۱۵.....	تملق و چاپلوسی و ثنا گوئی اضافی و بیجا.....
۱۱۸.....	ریا.....
۱۱۹.....	خلوص.....
۱۲۰.....	آثار اخروی سخن.....
۱۲۰.....	فلسفه کیفر و پاداش.....
۱۲۱.....	چند اخطار از نظر پیشگیری از گناه.....
۱۲۴.....	پایان و کیفر عدم اطاعت از پروردگار و کیفر آن.....
۱۲۶.....	نتیجه کلی فصل پنجم.....
۱۲۷.....	فصل ششم: نتیجه گیری
۱۳۰.....	ختامه مسک.....
۱۳۰.....	ذکر حلقه در بهشت یا علی است!!!!
۱۳۲.....	فهرست منابع و مأخذ.....

کلیات

چه می خواهیم و چه می جوئیم؟

تعریف مسأله:

تمایز انسان از سایر موجودات فکر و اندیشه است، و احتیاجات بشروارتباط او با محیط و اطرافیان و حتی احتیاج وارتباط جزئی بالانتقال فکر و اندیشه می‌سورد می‌باشد و وسیله انتقال فکر و اندیشه سخن و بیان است.

لذا ضروری است که سخن و کلام را بشناسیم، بد و خوب آنرا تشخیص بدھیم و ملاک بدی و خوبی آنرا روشن سازیم و این مساله بالگو واسوه ای بالا پیروی کنیم! و پیروی از سخن و کلام بالاترین سخنور که بتصدیق تاریخ و اسناد تاریخی و دینی کسی جز حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، (بعد از خداوند تبارک و تعالی و پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآلہ وسلم) نیست.

و آن بزرگوار در کتاب ارزشمند نهج البلاغه می‌فرماید:

وَإِنَا لَا نَرْأُ الْكَلَامَ، وَإِنَّا نَسْأَلُ اللَّهَ بِمَرْجِعِهِ بِكِتَابٍ سُتْرَكَشَ آنچه می جوئیم می بابیم.

سؤالات اصلی تحقیق:

سؤال (۱) سخن خوب و بد از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

سؤال (۲) ملاک بدی و خوبی سخن در نهج البلاغه چیست

سؤال (۳) آثار سخن خوب و بد در نهج البلاغه چیست؟

۱ . نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

پیشینه تحقیق:

طبق بررسی واستفساری که نموده ام کاری مستقل و علمی دراین مورد وزمینه انجام نشده است.

ضرورت تحقیق:

بنابراین معایب و محاسن سخن از دیدگاه نهج البلاغه برای تنویر افکار عمومی و جویندگان سخن خوب ضروری و لازم است.

فرضیه:

۱- امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره زبان و سخن نظرات ویژه و خاصی دارند: سخن خوب باید برخاسته از تقوی و حاکی از حکمت و دورازلغو باشد و سخن بد عکس آن است.

۲- امیرالمؤمنین علی علیه السلام ملاک هائی برای آداب سخن گفتن بیان فرموده اند: باید ملاک ها منشأ خیر و دور از شر و لغو و مصرف انسان وارسته باشد. بیان فرموده اند.

۳- سخن گفتن در آثار شخصی (مانند حفظ شؤنات شخصی احترام بدیگران که احترام به خود است)، آثار اجتماعی (مانند سخنانی که موجب اصلاح یا افساد جامعه می شوند از جمله دروغ و تهمت و فتنه انگیزی، و آثار اخروی (مانند پاسخگوئی به گفته ها در پیشگاه خداوند دادگر) مانند فتنه انگیزی، سخن چینی و فحاشی.

هدف :

- ۱- پیدا کردن معایب و محسن سخن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۲- اصلاح آداب معاشرت اجتماعی و اخلاق فردی.

چه کاربردی از انجام این تحقیق در نظر گرفته شده:

روشن کردن عظمت زبان و سخن از نظر آفرینش و خلق و بیان این منظور از دیدگاه علی علیه السلام و استفاده از اشاراتی ظریف که امام علی علیه السلام درنهج البلاغه فرموده بمنظور اصلاح زبان و سخن در جامعه.

استفاده کنندگان از نتیجه:

همه اعم از مؤسسات آموزشی، پژوهشی، دستگاه های اجرائی وغیره. هر سه قسمت فوق باضافه عموم مردم خواستار دین بالا خص رسانه ها و ارتباط جمعی.

جنبه جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

با توجه به اهمیت سخن و اصلاح آن براساس رهنمودهای مختلف از جمله دین و اهمیت کاربرد سخن در ارتباط امری است جدید که تاکنون بصورت علمی با آن پرداخته نشده است.

روش انجام تحقیق:

از روشن توصیف و تبیین وزیر امور امور اسلامی و مطالعات درون دینی کتابخانه ای استفاده می کنیم.

روش وابزار گردآوری اطلاعات:

کاراز طریق جمع آوری اطلاعات از راه کتب مختلف و بررسی در اطراف آن

- ۱- خلاصه برداری.
- ۲- فیش برداری.

منابع در آخر پایان نامه نوشته شده.

مقدمه ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

حکیم سخن در زبان آفرین.

بنام خداوند جان آفرین

ستایش آفریدگاری را سزاست که هستی را آفرید، همه چیز را در هستی باندازه آفرید، انسان هم خوب و کامل وزیبا آفرید، هرچه در هستی است برای او آفرید، همه چیز هم یادداد. در احسان باو چیزی فروگذار نکرد، بینائی آشکار و پنهان، شنواری آشکار و پنهان باو عطا فرمود، سخن و گویائی در خور او و حتی چگونه گفتن را از سرمههر باو یاد داد.

به پیامبران و پیشوایان دین دانش ویژه وریشه ای تعلیم داد و از طریق آنها و وسیله آنها بكمک کتابهای آسمانی که بانها وحی شده بود: انسان را ارشاد و راهنمایی کرد تا کج نرود.

از میان پیشوایان سخن‌دان، سخن پروری به حقیقت چنان داد سخن داده است که خود را جزء شاهان سخن معرفی نموده و فرموده است: *وَإِنَّا لِأُمَّرَاءُ الْكَلَامِ*^۱، یعنی ما شاهان سخنیم.

ما خواهی نخواهی در سخن هم پیرو او شده و هستیم و ازاوالگو می گیریم و باید هم ازاو الگو بگیریم، این پیشوای بزرگ کیست؟

او علی علیه السلام، پسر ابوطالب که عمومی پیامبر اسلام است، وداماد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآلہ وسلم) و شوی والای فاطمه زهراء (ع) بزرگ دخت پیامبر اسلام (ص) می باشد و برای یافتن سخن زیبا و رسا و پرمغز او در کتاب ارزشمند و سترگ او یعنی نهج البلاغه شنا می کنیم تاذرهای گرانبها از دریای بیکران سخنیش بیابیم. ولی این کار انشاء الله بكمک معلم اصلی و مهربان یعنی خداوند رحمان و رحیم انجام می دهیم که فرموده: الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)^۲

۱ . نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳

۲ . الرحمن/۱-۴

یعنی خداوند رحمان قرآن کریم را که پرتوی از رحمت خداوند رحمان و مهربان است استادانه یاد داد.

او از سر رحمت انسان را که اشرف مخلوقات است آفرید و بیان را که رمزی از هستی است باو آموخت و همه کار با توفیق میسرمی باشد که :

وَلَا قَائِدَ كَالْتَوْفِيقِ،^۱ یعنی پیشوای رهبری مانند توفیق نیست و هرگز نباید انتظار داشته باشیم که بدون توفیق از طرف خداوند تبارک و تعالی در هیچ کاری موفق شویم.

۱. حکمت ۱۱۳.

فصل اول

مفاهیم و تعاریف

معنی واژه سخن (وازگان)

باجستجو و فحص در واژه سخن در فرهنگ هائی مانند لغت نامه دهخدا، المنجد، فرهنگ معاصر، فرهنگ طلایی، فرهنگ فرید، فرهنگ نهج البلاغه، فرهنگ لاروس عربی، فرهنگ تاج العروس، فرهنگ معین، فرهنگ قرآن، فرهنگ المورد، فرهنگ عمید، نتیجه گرفته شد که مفهوم کلی سخن عبارت است از:

گفتن، گویش، گفتار، گفتگو، قول، کلام، نطق، بیان، حرف زدن، صحبت کردن، حدیث و جمله و کلامی که شنونده پس از شنیدن ساكت شود و سکوت او از نظر دریافت مفهوم کلی صحیح و منطقی باشد و از نظر دریافت معنی قانع شده باشد.

وسائل و ادوات سخن:

آنچه مشهور و مشهود است زبان از اساسی ترین وسائل و ادوات سخن گفتن است که ظاهرا پاره گوشی متحرک و قابل رویت است امام علی علیه السلام درباره این پاره گوشت زبان و شگفتی آن می فرماید:

اعجِبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَ يَسْمَعُ بَعْظَمٍ، وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمٍ^۱ معنی:

ودرآفرینش این انسان بشگفتی آید (ودرقدرت آفریدگارش اندیشه نمائید که طوری اورا آفریده) که با تکه پیه (یا چربی) می بیند و با پاره گوشتی (بظاهر معمولی) سخن می گوید.

پیام:

- أ. امام علیه السلام خود از صنعت آفریدگار و خالق انسان در شگفت است.
- ب. امام علیه السلام اهل اندیشه را بتدبر توأم با شگفتی و امیدارد.
- ج. هشدار امام علیه السلام از کلام اعجبا و تنوین (م) در کلمه لحم آشکار است.
- د. اگر در فیزیولژی و کارکرد زبان عالمانه دقیق بنگریم کمی درمی یابیم که امام چه فرموده است.
- ه. اگر زبان نباشد مغز در فرمان دادن برای تکلم ناتوان است.
- و. اگر زبان نباشد روابط اجتماعی فلج خواهد شد و رفع احتیاج انسان در جامعه مشکل خواهد شد.
- ز. اگر زبان نباشد بیان احساسات، عواطف، محبت‌ها ناقص خواهد بود.
- ح. انتقال علم و دانش و فرآگیری دانش بدون کمک زبان کاملا مشکل و حتی در بعضی موارد غیر ممکن است. اما باز هم خداوند متعال لال‌ها و گنگ‌ها را یاری داده واستعداد سخن گفتن بکمک چشم و ابرو، لب‌ها و دستها و بطور کلی حرکات گوناگون با وداده است که بطور ضعیف و ناقص مقاصد خود را بتواند نشان دهد، اما هیچ کدام جای زبان را نمی‌گیرد.

غیر از زبان ابزارهای دیگری کمک می‌کنند تا سخن گفتن امکان پذیر باشد و آنها عبارتند از:

- ۱- شش‌ها: هوا از شش عبور می‌کند و به تارهای صوتی که در حلق هستند می‌خورند و تارهای مرتعش می‌شوند و ایجاد صدا می‌کنند.
- ۲- حلق که تارهای صوتی در آن قرار دارد.
- ۳- نای - هوا از آن عبور می‌کند و به تارهای می‌رسد.

۴- لب ها: علاوه بر حفاظت دهان و زیبائی صورت انسان و بوسیدن در سخن

گفتن کمک می کنند.

۵- دندان ها: وسیله زیبائی - جویدن (برای هضم غذا) و سخن گفتن می

باشد.

۶- سقف دهان علاوه بر وظایف دیگر وسیله سخن گفتن هم هست.

اینها همه این وسائل وابزار ظاهری و بظاهر مارا اقناع می کند ولی حقیقت چیز دیگر است و آن اعجاز خداوند است که در آفرینش انسان و همه اعضاء او از جمله، زبان، نهفته است که ما فی الضمیر انسان را بطرز پیچیده ای نشان می دهد.

ماشین کوچکی بنام اردک ساختند که معده آن عمل هضم را انجام داد ولی نتوانستند حس چشائی، احساس گرسنگی، احساس سیری در آن بوجود بیاورند همچنین ماشین ستر اصوات و ترکیب (واج) های صوتی درست کردند از ترکیب آن هم صدا هایی در آورند ولی گوش خراش و بالاتراز آن فاقد اندیشه، هوش طبیعی، احساس و عواطف بود بلکه فقط یک ماشین بود.^۱

پیدایش زبان

گفتار از کجا آمده و واضح آن کیست؟

أ. عده ای معتقدند که سخن از طبیعت آغاز شده مثلاً پرنده ای در هوا پریده

و صدای (کوکو) یا (کاو کاو) سرداده و مردان وزنان از این آهنگ های طبیعی

تقلید کرده و صدای مختلف با معناهای آنها بوجود آمده است.^۲

۱. از کتاب بررسی زبان (جرج پول)

۲. همان.

ب. صداها خشم و غرولند افراد موجب صداها و درنتیجه موجب واژه های دیگر شده و صداهای حاکی از درد، حاکی از خستگی در اثر بار سنگین کلمه ساز شده است.^۱

ج. فرضیه دیگر منشاء حرکتی گفتاری است که می گویند: حرکات دست، چشم، لبها و بطور کلی حرکات اعضاء بدن موجب یک نوع لال بازی یا سخن با ایماء واشاره(pantomime) شده است ولی این نظریه هم صدر صد قبول نیفتاده چون اداء کلیه واژه ها بحرکات اعضاء بدن میسر نبوده است با آنکه این لال بازی یک نوع سخن معرفی شده است.^۲

د. نظریه تناسب اندام برای گفتار: می گویند: این تناسب موجب بوجود آمدن سخن در انسان شده است مثلاً: تناسب لب ها که پیچیده و جمع می شوند برای تلفظ حروفی مثل پ (p)، و (واو عربی - w) تناسب دارند و یا خود دهان که جمع شدن آن برخلاف سایر حیوانات متناسب برای اداء کلمات هستند و تناسب دندانها، یک اندازه بودن و راست بودن برای صدای ف (f) و (واو فارسی - v) و (the) نقش مؤثری دارند که در سایر حیوانات چنین امکانی نیست.^۳

ه. نظریه الهی بودن مبدأ زبان و تکلم با استفاده از قرآن (سوره الرحمن آیه ۴): علمه البيان (خداؤند رحمان پس از تعليم قرآن و خلق انسان (بيان) را به انسان آموخت.

۱. کتاب بررسی زبان زبان-(جرج یول)

۲. همان.

۳. همان.

تفسیر المیزان: از مفسر بزرگ قرآن آیه الله طباطبائی رحمه الله علیه : «کلمه(بیان) در جمله مورد بحث بمعنای پرده برداری از هر چیز است و مراد با آن در اینجا کلامی است که از آنچه درضمیر است پرده بر میدارد و خود این از عظیم ترین نعمت های الهی است. و تعلیم این بیان از بزرگترین عنایات خدائی بسانانها است(آری اینکه خدای سبحان ابزار سخن گفتن را بما داده و طرز آنرا بما آموخته تا آنچه در دل خود داریم بدیگران منتقل کنیم، بآنها بفهمانیم که چه می خواهیم و چه می فهمیم براستی از عظیم ترین نعمت است).

پس کلام صرف آواز نیست، که ما آنرا بابکاربردن ریه و قصبه آن و حلقوم از خود سردھیم همانطوریکه حیوانات از خود سر می دهنند و نیز صرف تنوع دادن بصوتیکه از حلقوم بیرون می شود نیست که درنتیجه فرق ما با سایر حیوانات این باشد که ما میتوانیم از حلقوم خود صدا درآورده و در فضای دهن آنرا تکه تکه نموده باشکال مختلف درآوریم بلکه انسان بالهای طبیعی که موهبتی است از ناحیه خدای سبحان بایکی از صوت های تکیه دار در فضای دهان برمخرج دهان که آنرا حرف می نامند و یا با چند حرف از این حروف که با هم ترکیب می کند علامتی درست می کند که آن علامت به مفهومی از مفاهیم اشاره می کند و باین وسیله آنچه از حس شنونده و ادراکش غائب است رابرای او ممثل سازد و شنونده میتواند برا حضار تمام عالم شهود چه روشن و درشت آن و چه باریک و دقیقش چه موجودش و چه معدهمش، چه گذشته اش و چه آینده اش در ذهن خود توانا شود. و پس از حضور مفاهیم بهروضعی از اوضاع معانی غیر محسوس (که تنها در کش نیروی فکر آدمی است و حس ظاهری با آن راه ندارد) دست یابد.

و خلاصه گوینده با صدائی که از خود درمی آورد با حروف ترکیب یافته و ترکیب نیافته اش تمامی اینها را که گفتیم در ذهن شنونده خود ظاهر سازد و در پیش چشم دلش ممثل سازد بطوریکه گوئی دارد آنها را می بیند هم اعیان آنها را وهم معانی آنها را».

درجای دیگر می گوید: علّمه البیان، منظور از این فرمود (علّمه البیان) این نیست که خدای سبحان لغات را برای بشر وضع نموده و سپس بوسیلهٔ وحی پیغمبری از پیغمبران یا بوسیلهٔ وحی به همه مردم آن لغات را به بشر تعلیم داده باشد برای اینکه خود انسان بدان جهت که بحکم اضطرار در ظرف اجتماع قرار گرفت طبعاً باعتبار تفہیم و تفهم وارد شد که نخست بالشاره وسپس با صدا و در آخر کار باوضع لغات یعنی قرارداد دسته جمعی باین مهم خود پرداخت و این همان تکلم و منطق است که گفتیم اجتماع مدنی بشر بدون آن تمام نمی شد.

علاوه بر اینکه فعل خدای تعالیٰ عبارت است از تکوین وایجاد و قهراً شامل امور اعتباری نمی شود چون امور اعتباری عبارت است از قرارداد دسته جمعی (مثلًا قرارداد ایرانیان) این شد که هر وقت کلمه (نان) بربازی آورند بفهمند که منظور طعامی است که از گندم درست می کنند و همچنین کلمات دیگر). (مترجم) و این امر اعتباری حقیقت خارجی ندارد تا خلقت و تکوین خدای تعالیٰ شامل آن نیز شده باشد و بگوئیم زبانهای مختلف را خدا خلق کرده آنچه خدا خلق کرده انسان و فطرت او است فطرتی که او را به تشکیل اجتماع مدنی وسپس باوضع لغات و اداشت واوراً باین معنی رهنمون شد که الفاظی را علامت معنی قراردهد بطوریکه وقتی فلان کلمه را بشنوند القاء می کند ذهن شنونده بفلان معنی منتقل شود (مثل اینکه گوینده خود معنارا باو نشان داده باشد) و نیز او را رهنمون شد باینکه اشکال مخصوصی از خط علامت الفاظ قراردهد پس خط خود مکمل غرض کلام است و کلام را ممثل می سازد همانطور که کلام معنا را مجسم می سازد.

وسخن کوتاه آنکه بیان قدرت برسخن از اعظم نعمت و آلاء ربانی است که برای بشر موقف انسانیش را حفظ کرده است، بسوی هر چیزی هدایتش می کند.

این بود آنمعنائی که بنظر ما ازدو آیه مورد بحث بذهن تبادر می کند ولی مفسرین دیگر در معنای آندو اقوالی دیگر دارند بعضی عقیده دارند که منظور از انسان در جمله «خلق الأنسان» آدم و منظور از بیان در جمله «علمہ البیان» همان اسمائی است که به آدم تعلیم داد و در سوره بقره داستان را حکایت نموده فرموده: «وَعَلِمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلُّهَا»^۱ یعنی با آدم تمام اسماء را آموخت.

نظر آیه الله صدر^(ره) در مورد الهی بودن

«دلالت لفظ بر معنای حقیقی بنوعی سببیت بر می گردد» بدین معنی که وجود ذهنی لفظ سبب وجود ذهنی معنا می شود. منشأ این سببیت چیست؟ این رابطه آیا رابطه لفظ و معنا مثل رابطه حرارت و آتش است و حرارت ذاتی است؟ یا ناشی از یک عامل خارجی است و جعل و قرارداد جاعل است که بوضع تعبیر می شود؟

(روشن است که فرض اول پذیرفته نیست). وی سپس این پرسش را مطرح می کند که «حقیقت وضع چیست؟ آیا واضح بطور مستقیم میان لفظ و طبیعت معنا سببیت ایجاد می کند بگونه ای ملازمه آن دو یک امر واقعی می شود؟ یا آنکه واضح صفتی به لفظ می دهد که پس از آن سبب خطور معنا در ذهن می شود. پیدا است که سببیت واقعی صفت ذاتی برای سبب حقیقی است ونمی توان آنرا برای چیزی اعتبار کرد و با اعتبار نمی توان لفظ را ابزار حقیقی تفهیم معنی قرارداد.»

اما شهید صدر در تفسیر حقیقت وضع می گوید: «خداوند احساس شیء را سبب انتقال ذهن به صورت آن شیء قرار می دهد که یک قانون تکوینی است همچنین شهید صدر

۱. بقره/۱۲.

۲. تحلیلی از زبان قرآن، دکتر سعید روشن.

درپاسخ به این سوال که واضح کیست؟ از احتمال دو واضح بودن، خدا واضح بودن بشر «یاد می کند ولی یادآوری می کند که با تحلیل وی از حقیقت وضع روشن می شود که روند وضع یک فرایند طبیعی است. با معنا در احساس انسان که این ارتباط موجب تحقق قانون پاسخگوئی ذهنی می شود که این قانون برای همه فراهم است.»

وی در ادامه می گوید: «با این همه برهان قاطعی برنفی نظریه الهی بودن وجود ندارد تا گفته شود وضع صد درصد امری بشری است بلکه محتمل است که آغاز وضع در حیات بشر به عنایت الهی بوده است که اسمی والفاظ و کیفیت استخدام آنها بآدم علیه السلام آموخت بلکه فرضیه الهام اصل لغت نیز بعید نیست.»

در روایت آمده است که آدم و حوا پیش از هبوط به لغت و محاوره آگاه بودند.

فیزیولوژی زبان

از ساخت زبان و کارش چه بگوئیم؟ این گفتار از عهده ما خارج است فقط: این تکه گوشت ۱۰ سانتی به بند زبان متصل است، بکف دهان چسبیده است از جلو آزاد است. روی آن ۴ پرز چشائی وجود دارد که دانه کوچکی است و یک دنیا عظمت دارد، دو دسته اعصاب حرکتی وحشی دارد که بهمه جا پخش شده است فقط می توانیم بگوئیم: یک دنیا اعجاز الهی در آن نهفته است.